

تبیین مدل دیالکتیک و متوازن دویارگی حفاظت - توسعه محدوده‌های شهری کهن^۱

علی علی‌الجنابیان*، علیرضا عندلیب**، زهراسادات سعیده زرآبادی***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۱۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۳/۱۳

چکیده

تعارض در دویارگی حفاظت - توسعه، یکی از چالش‌های اساسی در مواجهه با محدوده‌های شهری کهن است که از یک سو موجب تخریب ارزش‌های میراثی و از سوی دیگر، مانع تحقق اهداف توسعه شده و فرسودگی محدوده‌های شهری کهن را به همراه داشته است. هدف اصلی این پژوهش تبیین مدل دیالکتیک و متوازن حفاظت - توسعه محدوده‌های شهری کهن است که در پی آن دو هدف فرعی نیز دنبال می‌شود (۱) تبیین دو انگاره حفاظت و توسعه در مواجهه با محدوده‌های شهری کهن. (۲) واکاوی ریشه‌های شکل‌گیری تعارض‌های عقلی و ارائه چارچوب و روش عقلانی فهم و رفع تعارض دویارگی حفاظت - توسعه. پژوهش از نوع بنیادی است که با روش تحلیل محتوای کیفی و راهبرد استدلال و استنتاج منطقی، در سطح هستی‌شناختی از طریق بازخوانی تحلیلی نظریه‌ها، مولفه‌های موثر در بازساخت دویارگی حفاظت - توسعه تبیین شده می‌پردازد و در سطح معرفت‌شناختی از طریق بازخوانی تحلیلی نظریه‌ها، مولفه‌های موثر در بازساخت دویارگی حفاظت - توسعه تبیین شده است. محصول نهایی پژوهش تبیین مدل دیالکتیک و متوازن حفاظت - توسعه محدوده‌های شهری کهن است. یافته‌های پژوهش در سطح نظری شامل بازتعریف مفاهیم حفاظت و توسعه و تبیین ارتباط آن‌ها است و بیانگر این واقعیت است که حفاظت و توسعه ارتباطی دیالکتیک و متوازن با یکدیگر دارند و تعارض آن‌ها می‌تواند باعث تعامل، هم‌افزایی و ارتقای آن‌ها شود. هدایت نیروی تعارض و عدم توازن در جهت ارتقاء مستلزم بازشناسی ارتباط حفاظت - توسعه و ارائه صورت‌بندی جدید از آن در قالب یک مدل است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که حفاظت و توسعه در ذات و غایت یکپارچه و متوازن هستند و تعارض و عدم توازن میان آن‌ها ناشی از درک ناقص و بلاواسطه این مفاهیم است؛ مواجهه دیالکتیک و متوازن دو انگاره، ضمن بازتعریف آن‌ها، به دلیل هم‌افزایی، منجر به ارتقای آن‌ها در قالب یک کلیت برتر می‌شود.

واژگان کلیدی

مرمت شهری، بافت تاریخی، حفاظت و توسعه یکپارچه

۱- این مقاله برگرفته از بخشی از رساله دکتری نگارنده اول با عنوان «تبیین مدل دیالکتیک و متوازن دویارگی حفاظت - توسعه محدوده‌های شهری کهن» است که به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران انجام شده است.

* دانش‌آموخته دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده عمران، هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

ali.alajenabian@gmail.com

** دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده عمران، هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) a.andalib@srbiau.ac.ir

*** دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده عمران، هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. z.zarabadi@srbiau.ac.ir

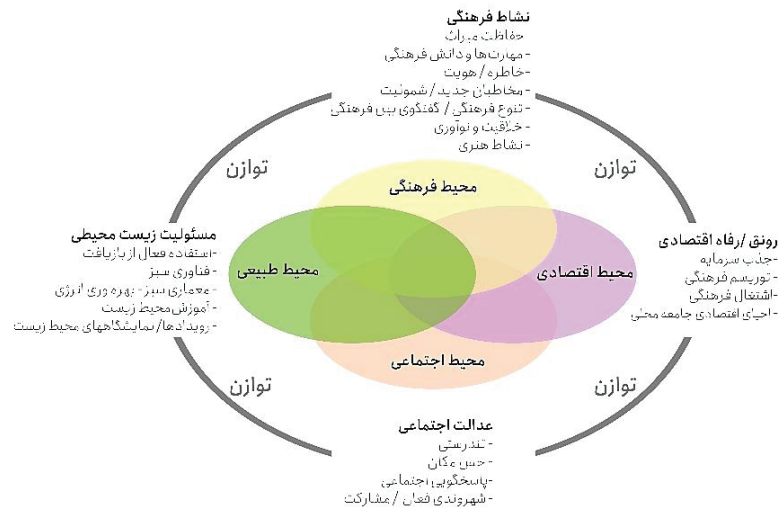
فیلسوف عصر روشنگری (کهن، ۱۹۹۶) و هگل به عنوان مهم‌ترین فیلسوف مدرنیته (هابرماس، ۱۹۸۵ به نقل از جهانگل، ۲۰۱۳) به شیوه‌ای نظام‌مند به تبیین ماهیت و رابطه دویارگی‌ها پرداخته‌اند. و بویژه هگل با تدوین یک متدولوژی قدرتمند چارچوب عقلانی کارآمدی برای تبیین و حل تناقض‌های عقلی ارائه کرده است. (جهانگل، ۲۰۱۳) لذا این مقاله در یک پژوهش میان پارادایمی بین سه منبع اصلی «نظریه نوسازی متوازن بافت‌های فرسوده شهری»، «ادبیات نظری حفاظت و توسعه شهری» و «مدل دیالکتیک منفیت» در مواجهه با دویارگی‌ها و با هدف رفع تعارض و ایجاد ارتباط متعامل و هم‌افزا بین دو انگاره حفاظت و توسعه، در «تبیین مدل دیالکتیک و متوازن حفاظت - توسعه محدوده‌های شهری کهن» تلاش نموده است. در شکل ۲ چگونگی ارتباط منابع اصلی و پیشینه پژوهش در تدوین اهداف و دستیابی به مدل دیالکتیک و متوازن حفاظت - توسعه محدوده‌های شهری کهن نمایش داده شده است.



شکل ۱ - نمایش ارتباط منابع اصلی و پیشینه پژوهش در دستیابی به مدل دیالکتیک و متوازن حفاظت - توسعه محدوده‌های شهری کهن

سیر تحول و تکامل تاریخی حفاظت: انگاره حفاظت از دوران باستان تا به امروز، یک فرآیند تاریخی و تکاملی را طی کرده است. در دوران باستان، حفاظت فرآیندی طبیعی در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها و ضرورتی «کارکردی» برای تداوم حیات بود که بعضاً از جنبه «یادمانی» یا «ارزش هنری» آثار نیز مورد توجه بوده است. (یوکیلهتو، ۱۹۹۹، ۲۷) اما در نحوه نگرش به امر حفاظت آنچه که دوران باستان را از جامعه مدرن متمایز می‌کند «آگاهی نوین تاریخی»، حاصل از تحولات عمیق فلسفی دوران رنسانس (مابین قرون ۱۶ تا ۱۹ میلادی) و پایه‌گذاری مکتب اصالت اندیشه است (یوکیلهتو، ۱۹۹۹، ۳۹۴). دکارت و کانت در فلسفه خود انسان را به عنوان سوژه شناسنده، و جهان هستی را به عنوان ابژه یا موضوع شناخت قرار دادند و به این ترتیب برای نخستین بار، انسان ماهیتی مستقل از تاریخ و طبیعت یافت و بالتبع حفاظت به عنوان موضوع، و میراث به عنوان منبع اصیل شناخت علمی و مطالعه تاریخ، ماهیت جدیدی یافتند. (یوکیلهتو، ۱۹۹۹، ۳۱) (رادول، ۲۰۰۷، ۱) عصر روشنگری که میراث کانت و مکتب اصالت اندیشه است را می‌توان زمینه‌ساز انقلاب کبیر فرانسه (۱۷۸۹-۱۷۹۹ م) قلمداد کرد که پیامدها و تأثیرات وسیع و عمیقی در مقیاس بین‌المللی به همراه داشت. (رادول، ۲۰۰۷: ۵) یکی از علت‌های اصلی انقلاب فرانسه فقر و بی‌عدالتی بود (آرنت، ۱۹۶۳) که باعث تقویت دیدگاه‌های سوسیالیستی شد، اصلاح‌طلبان سوسیالیست و مهندسان شهری که محلات قدیمی شهرها را نماد تضاد طبقاتی، فقر و آلودگی می‌پنداشتند خواستار تخریب و بازسازی آن بودند. همچنین کاخ‌ها، کلیساها و عمارت‌های بزرگ ثروتمندان نیز به عنوان مظاهر ظلم و ناعدالتی در اوایل انقلاب مورد حمله واقع شده و بعضاً تخریب می‌شدند اما پس از مدتی همین آثار به نمادها و میراث پیروزی انقلاب تبدیل شده و اهمیت حفاظت یافتند. (یوکیلهتو، ۱۳۹۴: ۱۰۵) تقسیمات مدرن کشوری در اواخر قرن ۱۸ میلادی یکی دیگر از عواملی بود که مونومان‌های تاریخی را به عنوان تجلی هویت فرهنگی و قومی ملت‌ها و میراث واجد ارزش در مرکز توجه حفاظت قرار داد. (باندارین، اوئرز، ۲۰۱۲: ۴) (رادول، ۲۰۰۷: ۵) این اتفاقات مهم تاریخی زمینه‌های شکل‌گیری مفهوم «حفاظت مدرن» را مابین قرن‌های ۱۹ و ۲۰ میلادی فراهم کرد. (یوکیلهتو، ۲۰۱۳، ۳۴) تکوین نظریه حفاظت مدرن اساساً پیرو یک روند آگاه‌سازی و آموزش شکل گرفته و به گسترش کنترل دولتی، وضع قوانین حفاظتی و نیز تأسیس نهادهای مسئول برای مراقبت از بناهای عمومی انجامیده است؛ که نتیجه این روند، گسترش حمایت قانونی، به دارایی‌های شخصی و همچنین سکونتگاه‌های تاریخی در اواخر سده نوزدهم میلادی بود. (یوکیلهتو، ۱۳۹۴: ۴۵) تا پیش از این زمان، مفهوم حفاظت در مورد تک‌بناهای تاریخی بزرگ و مونومان‌های شهری معنا داشت. بهترین متفکر حامی ایده «حفاظت شهری»، کامیلو سیتته بود. او شهر تاریخی را به عنوان میراثی با ارزش زیبایی‌شناختی والاتری در مقایسه با شهر مدرن و منبع الهام طراحی مدرن مطرح نمود. (باندارین، اوئرز، ۲۰۱۲: ۱۲) کامیلوسیتته و آلویس ریگل با پی بردن به تناقض مخرب میان

توسعه به مثابه ظرفیت ارائه می‌دهد را می‌توان در فلسفه هگل یافت، دیالکتیک هگلی سه مرحله «نفی، حفاظت و توسعه» را شامل می‌شود. یک انگاره در مواجهه همزمان با خود و انگاره‌های دیگر از تناقض‌های درونی خود آگاه شده و بخشی از خود را نفی یا رد می‌کند و در عین حال از بخشی از خود حفاظت می‌کند و در فرآیند نفی، حفاظت و پذیرش خود و دیگری، انگاره، توسعه می‌یابد. (هگل به نقل از جهانبگلو، ۱۳۸۶) بنابراین توسعه زمانی تحقق می‌یابد که پیش‌تر و در فرآیند نفی، «ظرفیت» برای پذیرش دیگری در یک انگاره ایجاد شده باشد.



شکل ۲ - ابعاد ۴ گانه توسعه پایدار؛ فرهنگ به عنوان ستون توسعه پایدار، به طور کامل با سه مورد دیگر ارتباط دارد و آن‌ها را ارتقا می‌بخشد. برگرفته از: (sabatini, 2019)

توسعه پایدار و توسعه شهری پایدار؛ گسترش دامنه تعریف انگاره توسعه در ابعاد اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی و فرهنگی، که به گفته برخی محققین به واسطه ارتباط دیالکتیک آن‌ها صورت گرفته است. زمینه را برای شکل‌گیری یک پارادایم جدید تحت عنوان «توسعه پایدار» فراهم کرد، توسعه پایدار حالت تکاملی برنامه‌های توسعه است که با دیدی کل‌نگر و با تأکید بر بینشی سیستمی، سعی دارد یک رهیافت تعادل‌بخش را دنبال کند. بسیاری از صاحب‌نظران، پیدایش این پارادایم را مرتبط با به‌وجود آمدن شرایط نابسامان زیست‌محیطی ناشی از توسعه‌های بی‌قاعده به ویژه در زمینه اقتصادی می‌دانند. پایداری به مفهوم برآوردن نیازهای فعلی بدون از بین بردن قابلیت‌های نسل‌های آینده در تأمین نیازهای خود است. (بحرینی، ۱۳۷۶) (کرزیک و پاور، ۱۹۹۶). واژه توسعه پایدار اولین بار به طور رسمی توسط براتلند در سال ۱۹۸۷ در گزارش «آینده مشترک ما» مطرح شد این واژه به مفهوم گسترده آن، شامل اداره و بهره‌برداری صحیح و کارا از منابع پایه، منابع طبیعی، منابع مالی و نیروی انسانی برای نیل به الگوی مصرف مطلوب همراه با به‌کارگیری امکانات فنی و ساختار و تشکیلات مناسب برای رفع نیاز نسل‌های امروز و آینده به طور مستمر و قابل رضایت است. با مطرح شدن ایده توسعه پایدار به عنوان یک پارادایم جدید و فراگیر، شهرسازان و برنامه‌ریزان شهری نیز به فکر پیدا کردن زمینه‌های ممکن پایداری و توسعه پایدار در مقیاس کوچک‌تر و اجرایی‌تر شهرها و مناطق شهری افتادند. چرا که شهر مهم‌ترین نماد تأثیر فعالیت‌های انسانی بر محیط زیست است و سکونت‌گاه انسان‌ها نقش مهمی در تحقق ایده‌های پایداری دارند. (بحرینی، ۱۳۷۶ : ۲۸) اکنون شهرها بیش از هر زمان دیگر عامل اصلی توسعه، خلاقیت، تغییرات اجتماعی و سیاست‌های جهانی و ناگزیر در حال تبدیل شدن به بزرگترین کاربر، مروج و تولیدکننده میراث هستند در اشکال مختلفی که امروزه می‌تواند داشته باشد و یا در آینده خواهد داشت (باندارین، ۱۳۹۵، ۳۲). از این رو احیای بناها و محدوده‌های تاریخی شهر، نقش بسزایی در تحقق اهداف توسعه پایدار دارد. تغییر کاربری و استفاده مجدد از بناها و فضاها و افزایش تراکم سکونت و فعالیت در این محدوده‌ها به جای ساخت و ساز در اراضی مهم طبیعی و یا اراضی بایر شهر که سرمایه‌های زیست‌محیطی شهر نیز محسوب می‌شوند، در بعد زیست‌محیطی توسعه پایدار موثر هستند. همچنین محدوده‌ها و محیط‌های شهری کهن محل شکل‌گیری خاطرات مشترک شهروندان از نسل‌های گذشته تا به امروز است و با ارائه معانی نمادین، گروه‌ها و جوامع فرهنگی نسل‌های مختلف را به هم پیوند می‌دهد. (توتید و همکاران، ۲۰۰۷، ۶۲) حس تعلق، روابط اجتماعی مستحکم و فرهنگ غنی نسبت به محدوده‌های جدید، مواردی هستند که پاسخگوی ابعاد اجتماعی و فرهنگی توسعه پایدار هستند. وجود میراث و ارزش‌های تاریخی - فرهنگی محدوده‌های شهری کهن مثل بناهای ارزشمند تاریخی و همچنین صنایع دستی و آداب و رسوم

نیست. سوژه در خود بی‌قرار، درگیر رنج شناخت و از خویشتن خویش ناخشنود است. و این منفیت است که تا جای ممکن سوژه را بی‌قرار می‌کند تا سبب حرکت و تغییر او و جهان پیرامونش شود. سوژه در مواجهه با دیگری (ابژه) است که به تناقض‌های خود آگاه می‌شود و حرکت دیالکتیک خود به سمت دیگری را آغاز می‌کند؛ بر این اساس وجود دیگری به مثابه منفیت موجب توسعه و ارتقای مفهوم است و نه تضعیف یا تخریب آن (گتورک گادامر، ۱۴۰۰: ۸۵). هگل مفهومی را که تماماً و کاملاً انکشاف نیافته باشد، «ایده» می‌نامد، ایده روند دیالکتیک مفروض دانستن غیر از خود (در خود) و بازیافتن وحدت خود در غیر خود است (برای خود) و حقیقت خود تعیین یافته‌ای است که پس از جدا شدن از خود و شکافتن واقعیت خود به وحدت خود باز می‌گردد (در خود و برای خود). (اصلاح‌پذیر، ۱۴۰۰: ۸۵) بر این اساس دیالکتیک هگلی فرآیندی فکری است که بر اساس آن تناقضات ظاهری بخشی از یک حقیقت برتر تلقی می‌شوند (دیکشنری آکسفورد، ۲۰۰۹)

جدول ۱- مقایسه نظرات کانت و هگل در مورد مفاهیم متناقض یا تناقض مفاهیم،

برگرفته از (هگل، ۱۸۰۷)، (مبئی، ۱۳۹۹)، (جهانبگلو، ۱۳۸۶)

کانت	هگل
آنتی‌نومی	دیالکتیک
دو مفهوم متناقض در مقابل یکدیگر	مفاهیم ذاتاً در درون خود متناقض‌اند
اثبات یا ابطال هر دو گزاره متناقض:	عبور از فرآیند دیالکتیک سه مرحله‌ای: در خود، برای خود، درخود و برای خود
تز- آنتی‌تز	خود ابطال، حفظ، توسعه (ارتقا)
نتیجه: رفع تناقض و یکپارچه شدن دو مفهوم و با ابطال هر دو اما آنتی‌نومی‌ها باقی می‌مانند و یکپارچه نمی‌شوند	نتیجه: ارتقای مفهوم پس از عبور از فرآیند دیالکتیک منفیت و رسیدن به یک کل یکپارچه و ارتقا یافته

گسست بین دو انگاره حفاظت و توسعه ریشه در مدرنیته دارد، خردگرایی دکارتی و اصالت اندیشه به عنوان منبع شناخت، انسان را به عنوان سوژه (فاعل) شناسنده در مرکز هستی قرار داده و جهان هستی ابژه (موضوع) شناخت قرار می‌گیرد؛ از جمله زمان نیز به عنوان یک مفهوم و ابزاری برای شناخت گذشته، حال و آینده و زمان‌مند کردن تاریخ، محصول مدرنیته است. به این ترتیب مدرنیته با ارائه تعریف جدید از زمان، میان گذشته و آینده گسست ایجاد می‌نماید. تفکیک گذشته و آینده، منجر به تفکیک دو انگاره حفاظت و توسعه می‌شود، چنانچه حفاظت امری مربوط به گذشته و توسعه امری مربوط به آینده قلمداد می‌شود. نتیجه گسست این دویارگی‌های بی‌پایان که نتیجه خردورزی و تعقل مدرن هستند، شکل‌گیری ایدئولوژی‌های متعصب و نیروهای متخاصمی بوده است که در تقابل با یکدیگر پیامدهای مخربی در پی داشته‌اند؛ در مورد دویارگی حفاظت - توسعه، حفاظت مانعی بر سر راه توسعه و حرکت به سوی آینده و توسعه عامل تخریب میراث گذشته محسوب می‌شود. این مواجهه دویارگی‌ها یکی از جنبه‌های مدرنیته است که مخرب و نابودگر است. اما هگل که بسیاری او را مهم‌ترین فیلسوف مدرنیته قلمداد می‌کنند، صورت‌بندی متفاوتی از مواجهه دویارگی‌ها ارائه می‌دهد که نتیجه آن نه تنها تخریب و نابودی نیست بلکه اعتلا و ارتقا است. از نظر هگل به عنوان یک فیلسوف ایده‌آلیست، حقیقت یک امر مطلق است و هر پدیده یا مفهومی در صورت عبور از فرآیند دیالکتیک به آن امر مطلق بدل خواهد شد در این فرآیند تعارض مفاهیم باعث اعتلا و ارتقای هر یک و در نهایت موجب ادغام مفاهیم در قالب یک کل یکپارچه و تکامل یافته خواهد شد.

به این ترتیب در شیوه‌ای که هگل مواجهه مفاهیم را صورت‌بندی می‌کند، تعارض به نیرویی مولد و سازنده بدل می‌شود و نه مخرب، فهم روش دیالکتک منفیت هگل باعث می‌شود مفاهیم متعارض در مواجهه با یکدیگر تعالی و ارتقا یافته و یکپارچه شوند. در غیر اینصورت جدایی و گسست مفاهیم می‌تواند منجر به نابودی و تخریب هریک یا هر دو آن‌ها شود. بررسی سیر تحول تاریخی مفاهیم حفاظت و توسعه نشان می‌دهد که اولاً هر دو این مفاهیم مدرن هستند به این معنی که نتیجه جدایی انسان (به مثابه سوژه شناسنده) از جهان هستی (به مثابه موضوع شناخت) هستند و ثانیاً با گذشت زمان ارتباط دو انگاره، از تخصم به تعامل گرائیده و این امر نشان دهنده ارتباط دیالکتیک آن‌ها است. بر این اساس می‌توان گفت فهم و به کارگیری مدل دیالکتیک منفیت هگل می‌تواند اثر مخرب ناشی از تعارض بین دو مفهوم را به ارتباط سازنده و متعامل تبدیل کند و روش دیالکتیک منفیت هگل می‌تواند به منظور کاهش اثر مخرب ناشی از تعارض بین همه مفاهیم از جمله حفاظت و توسعه و هدایت نیروی تعارض در جهت ارتقا و اعتلای مفاهیم به کار گرفته شود.

جدول ۲ - مراحل تکوین مدل دیالکتیک حفاظت - توسعه در انطباق با مراحل دیالکتیک منفیت هگلی، برگرفته از هگل (۱۸۰۷)

مراحل دیالکتیک	توضیحات هر مرحله	مراحل تکوین مدل دیالکتیک حفاظت - توسعه
در خود	شناخت خود و آگاه شدن از تناقض‌ها و نقص‌های درونی.	۱- شکافتن مفاهیم و شناسایی و تحلیل ابعاد و وجوه مختلف هر یک از مفاهیم حفاظت و توسعه؛
برای خود	آگاهی می‌یابد و در صدد رفع آن بر می‌آید؛ مواجهه با دیگری به مثابه منفیت و حرکت به سمت دیگری برای یافتن پاسخ تناقض‌های درونی خود در دیگری؛ حفظ خود ضمن پذیرش دیگری؛	۲- شناسایی نقص‌ها و تناقض‌های درونی؛ ۳- یافتن مناظرها در مفهوم دیگر و تشکیل دویارگی‌ها؛ ۴- دسته‌بندی دویارگی‌ها به ابعاد بزرگتر (شبکه‌ها)؛ ۵- تبیین ارتباط میان مفاهیم دویارگی از طریق برقراری توازن میان مفاهیم؛
در خود و برای خود	یکپارچگی دو مفهوم و ارتقا به جایگاهی بالاتر در تحقق‌یافتگی، انگاره‌ای که هر دو مفهوم قبلی را در بر دارد ولی مفهوم جدید از جمع جبری دو مفهوم قبلی بیشتر است؛	۶- بازتعریف مفاهیم ارتقا یافته و تبیین انگاره‌ای نو؛ ۷- بازگشت انگاره به مرحله نخست چرخه دیالکتیک منفیت؛

۱- شکافتن مفاهیم و شناسایی و تحلیل ابعاد و وجوه مختلف هر یک از مفاهیم حفاظت و توسعه: شکافتن مفاهیم حفاظت و توسعه و تجزیه و تحلیل آن‌ها از طریق بررسی تحلیلی سیر تحول تاریخی انگاره‌های حفاظت و توسعه و مفاهیم مرتبط با آن‌ها، در بخش مرور ادبیات نظری مقاله صورت گرفت. در جداول ۳ و ۴ چکیده‌ای از نظریات اندیشمندان حفاظت و توسعه شهری حاصل از مرور ادبیات نظری دسته‌بندی شده است.

۲- شناسایی نقص‌ها و تناقض‌های درونی: انگاره، در نتیجه واکاوی درون، از خود و ویژگی‌هایش آگاه می‌شود، آگاهی از خود، همزمان انگاره را متوجه «دیگری» می‌کند، در مواجهه خود با خود و خود با دیگری تناقض‌ها آشکار می‌شوند. به منظور آشکار ساختن ماهیت دو انگاره حفاظت و توسعه در جداول ۳ و ۴ در مقابل تعاریف و چکیده نظریه‌های حفاظت و توسعه، مفاهیم کلیدی و همچنین دویارگی‌هایی که به یک تناقض درونی یا تعارض بینابینی اشاره می‌کنند در مقابل هر نظریه یا اقدام تاریخی بیان شده است.

جدول ۱ - دسته‌بندی مهم‌ترین نظریات حفاظت شهری و استخراج مفاهیم کلیدی و دویارگی‌های مرتبط، منبع: برگرفته از: (باندارین، ۲۰۱۲؛ رادول، ۲۰۰۷؛ یوکیلهتو، ۱۹۹۹)

فرد/ نهاد	چکیده نظریات یا اقدامات	مفاهیم کلیدی و دویارگی‌های مرتبط
کمیته مونسومان‌های تاریخی (۱۸۳۷)	تهیه فهرست گسترده بناهای یادمانی در دوران انقلاب فرانسه و پس از آن؛	حفاظت یادمانی: تغییر الگوی حاکمیت- تثبیت ارزش‌های میراثی
انگلس و کانسیدرانت (۱۸۴۵) فوریه و اوون	اعتراض به شرایط نامطلوب شهرها به ویژه شهرهای تاریخی که محل فرسودگی کالبدی و معنوی بود؛ شروع جریان اصلاحات اجتماعی ارائه نظریات آرمانگرایانه: فالانستر (فوریه) و لانارک جدید (رابرت اوون)؛	آرمانگرایی اجتماعی، سوسیالیسم: حفاظت از کاخ‌ها و عمارت‌های بزرگ و باشکوه و کلیساها- مبارزه با تبعیض و بی‌عدالتی
مهندسان شهری	اصلاح شرایط غیر بهداشتی طبقه کارگر، تخریب شهر تاریخی، پاکسازی آلودگی‌ها، ساخت بهتر مسکن	مهندسی شهری: حفاظت شهر کهن- کاهش آلودگی‌ها و نابرابری‌ها
بارون هوسمان (۱۸۸۱-۱۸۸۸م)	بازسازی شهر برای برآورده کردن خواسته‌های زندگی مدرن به ویژه ترافیک، ایجاد فضای مسکونی و تجاری مورد نیاز طبقات مرفه و تسهیل کنترل نظامی بر شهر؛	توسعه مدرن، رویکرد بالابه پائین توسعه مدرن، سلطه تکنوکراسی: توسعه شهر مدرن- حفاظت شهر کهن
رابرت موزس (۱۹۴۰-۱۹۵۰)	تخریب شهر تاریخی و احداث بزرگراه‌ها و آسمان‌خراش‌ها؛	
جان راسکین و ویلیام موریس (۱۹۰۰-۱۸۲۰م)	شهرهای پیش از دوران صنعتی میراث تاریخی واجد ارزش حفاظت هستند، شهر تاریخی به عنوان میراث مشترک، همانطور که زنده کردن یک مرده ناممکن است باز یافت هر چیز زیبا در معماری غیر ممکن است؛	رویکرد رمانتیک؛ حفاظت رمانتیسم، مداخله حداقل: ایجاد تغییر در میراث- حفظ اصالت میراث

فرد/ نهاد	چکیده نظریات یا اقدامات	مفاهیم کلیدی و دوطرفی‌های مرتبط
امانوئل ویوله لودوک (۱۸۷۹-۱۸۱۸م)	ایده‌آل‌گرایی در مرمت و مداخله حداکثر، بازسازی بنا به نحوی است که انگار هرگز در موقع خاصی آن بنا وجود نداشته است؛ بسترسازی برای جامعه مدرن که بتواند زبان خود را در فراتر از تجدید حیات مکرر زمان بیابد. تفسیر مدرن از میراث شهری؛	حفاظت آرمان‌گرایانه، مداخله حداکثر : ایجاد تغییر در میراث - استمرار تاریخی اصالت میراث
آلوئیس ریگل (۱۹۰۳م)	دو دسته ارزش میراثی : ارزش خاطرات (قدمت) و ارزش معاصر (کاربرد). تفسیر حفاظت یادمان‌ها از منظر نظریه ارزش‌ها، کاهش تضاد و درگیری بین ارزش‌های مختلف میراث (مثلاً کاربردی - تاریخی)، پیوند میراث با مدرنیته؛	ارزش معاصر میراث- ارزش تاریخی میراث ارزش یادمانی میراث- ارزش کاربردی میراث
کامیلو سینه (۱۸۴۳-۱۹۰۳م)	شهر تاریخی دارای ارزش زیبایی‌شناختی والاتری در مقایسه با شهر مدرن است؛ نگاه به شهر به عنوان یک پیوستار تاریخی. ۱- شهر تاریخی یک مدل زیبایی‌شناختی ۲- منبع الهام طراحی مدرن. هموار کردن مسیر عملی توسعه حفاظت شهری؛ طرح کلان شهر مدرن در آینده همزمان با حفظ ارزش‌های تاریخی. شهر پدیده‌ای پویا و درحال دگرپسبی است. اتصال نیازهای عملکردی و زیبایی‌شناسانه؛	ارزش زیبایی‌شناختی میراث- ارزش عملکردی میراث تأثیر الگوهای شهر کهن بر شهر مدرن- تأثیر الگوهای شهر مدرن بر شهر کهن
ورنر هگمن	جنبش زیبای شهر؛ رابطه میان فضاهای پر و خالی موجب ایجاد عناصر تداوم یک شهر در یک فرآیند توسعه هماهنگ است. شهر یک کلاژ تداوم دار است که تمام قطعات با حفظ هویت خود، ترکیب و تولید یک مفهوم فضایی جدید می‌کنند. شهر تاریخی نتیجه فیزیکی فرآیندی طولانی مدت و بیانیه توسعه آن است؛	ارتباط توده با فضا- ارتباط فضا با توده تداوم شهر گذشته در شهر آینده تضاد بصری- سازگاری بصری؛ گسست فضایی- همپوندی فضایی
پاتریک گدس (۱۹۳۲-۱۸۵۴م)	شهر یک ارگانیزم در حال تکامل؛ نسل‌ها با تغییر و نوسازی سازه‌ها و کاربرد آن‌ها در تکامل آن شرکت می‌کنند؛ ضرورت درک صحیح روح مکان در برنامه‌ریزی شهری؛ آثار، خاطرات و ارتباطات تداعی‌گر ارزش‌ها با مکان از جمله مسائل کلیدی و تعیین کننده روند دگرپسبی شهری است؛ شهر به مثابه زیربنای آموزش و همکاری شهری. ارتباط بین شهر و جغرافیا و بافت طبیعی آن. شهر بخشی از اکوسیستم طبیعی است و همه آن باید مورد حفاظت قرار گیرد و نه فقط بخش خاصی از آن؛	شهر به مثابه موجود زنده؛ خاطرات و رویدادها به مثابه بعد ذهنی شهر که بر بعد عین آن تأثیر گذارند: میراث شفاهی (ذهنی)- میراث کالبدی (عینی)؛ رویداد- فضا؛ حفاظت از طبیعت به مثابه کل- حفاظت از شهر به مثابه جزء
جیوانونی	ایده میراث شهری برخاسته از احتیاجات طراحی شهری مدرن، شهر تاریخی بخشی از شبکه عملکردی شهری و جذب کننده عملکردهای جدید قابل انطباق با شکل سنتی شهر؛ ارائه روش‌شناسی جامع برای مدیریت و حفاظت شهر تاریخی : سامانه برنامه‌ریزی یکپارچه به عنوان ابزار مدیریت شهر تاریخی؛ حفظ محیط ساخته شده پیرامون بناهای تاریخی و حفظ بافت شهری گویای لایه‌های زمانی، مخالفت با فریز کرده موزه گونه مراکز تاریخی صرفاً برای گردشگری؛	معاصر سازی میراث شهر کهن- استمرار الگوهای شهری کهن در شهر مدرن تثبیت کالبد میراث- تغییر عملکرد میراث ارتباط میراث با زمینه- ارتباط زمینه با میراث حفاظت فرهنگی- توسعه اقتصادی
لوکوربوزیه (۱۹۶۵-۱۸۸۷م)	شهر تاریخی یک الگوی منفی با تراکم بالا، نور و تهویه ناکافی؛ فاصله زیاد سکونت از خدمات است که باید تخریب و به شیوه مدرن و با زیرساخت‌های مناسب نوسازی شود. تنها تک بناهای یادبود ارزش تاریخی حفاظت دارند؛	شهر کهن- شهر مدرن گذشته - آینده
جین جیکوبز (۲۰۰۶-۱۹۱۶م)	در طول تاریخ تمدن‌هایی که میراث تاریخی خود را فراموش کرده‌اند در دوره طولانی عصر تاریکی فرو رفته‌اند. گذشته تاریخی پایه‌های ساختن آینده است؛	حرکت به سوی آینده- نگاه به گذشته
جان کارلو دی کارلو (۱۹۱۹-۲۰۰۵م)	ارائه دیدگاهی جدید در مدیریت مناطق شهری تاریخی؛ منقذ مدل تکنوگرافی (مشخصه مدرنیسم)؛ حامی رضایت و مشارکت شهروندان به عنوان ابزار برنامه‌ریزی و طراحی معماری بود. ارائه زبان طراحی جدید متناسب با شهر کهن؛	هدایت فرآیند حفاظت- هدایت فرآیند توسعه پیوند (ارتباط) شهر کهن با شهر مدرن- پیوند (ارتباط) شهر مدرن با شهر کهن
حسن فتیحی (۱۹۰۰-۱۹۸۹م)	رویکرد مشارکتی از پائین به بالا در طراحی؛ معماری برای فقرا؛	نوسازی کالبدی- تداوم فرهنگی
جان ترنر (۱۹۷۰)	قواعد خودآموز و خودساز حاصل از سنت‌های محلی به عنوان ابزاری برای یکپارچگی فیزیکی و اجتماعی مکان‌ها؛ مسکن‌ها چه نو و چه کهنه به بهترین شیوه توسط ساکنان آن و نه طراحان بیرونی مدیریت می‌شوند.	توانمندسازی جامعه محلی- آگاه‌سازی نهادهای دولتی

جدول ۲ - دسته‌بندی تعاریف و نظریات توسعه و استخراج مفاهیم و دویارگی‌های مرتبط برگرفته از: (ندروین پیتزر، ۲۰۱۰: سن، ۱۹۹۹)

نظریه پرداز	تعریف توسعه	دویارگی‌های مرتبط
دیکشنری آکسفورد	رخدادی برسازنده مرحله‌ای نوین در وضعیت متغیر؛ به عنوان چیزی مثبت و مطلوب در نظر گرفته می‌شود. معنای پیشرفت و ارتقا در شرایط کلی نظام یا در یکی از اجزای آن؛	تغییر شکل تکاملی - حفظ و تداوم ماهیت و اصالت
آمارتیا سن (...-۱۹۳۳م)	فرآیند گسترش آزادی‌های انسان است؛ آزادی هم هدف و هم ابزار توسعه است. تحول کیفی در پدیده موجود، رشد مادی همراه با پیشرفت معنوی. توسعه افزایش ظرفیت و توانایی است و نه افزایش دستاورد و بیشتر جنبه انگیزش، دانش، درک و خرد دارد تا مال و ثروت. در ارتباط با میزان دارایی نیست بلکه در ارتباط با این است که با آنچه هست چه می‌توان کرد. توسعه به کیفیت زندگی مربوط است نه به سطح زندگی؛ ثروت ضرورتاً منتج به توسعه نمی‌شود، توسعه نتیجه ارتقای دانش و درک جامعه است. ثروت، آشکارا سعادتی نیست که ما می‌جوئیم؛ چرا که ثروت تنها برای بدست آوردن چیزی دیگر مفید است؛	تحول کیفی - تحول کمی رشد مادی - پیشرفت معنوی رشد درون‌زا - رشد برون‌زا کیفیت زندگی - کمیت زندگی ارتقای دانش و آگاهی - ارتقای ثروت
مایکل تودارو (...-۱۹۴۲م)	توسعه جریانی چندبعدی است که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه‌کن کردن فقر مطلق است؛	رشد اقتصادی - عدالت اقتصادی کسب ثروت - مبارزه با فقر
گونار میردال (۱۹۸۷-۱۸۹۸م)	توسعه حرکت به سمت بالای نظام اجتماعی در ابعاد اقتصادی، تنوع مصرف، امکانات آموزشی و سلامت، و سطح بالای امکانات، توزیع قدرت در جامعه است؛	کسب قدرت - توزیع قدرت
استیگلیتز (...-۱۹۴۳م)	توسعه نمایانگر تحول در جامعه است، حرکت از روابط و فرهنگ‌های سنتی و همچنین عادات و رسوم اجتماعی و روش‌های سنتی مواجهه با بهداشت و تعلیم و تربیت به روش‌های مدرن؛	تأثیر سنت بر مدرنیته - تأثیر مدرنیته بر سنت تغییر رویه‌ها - حفظ ارزش‌ها تحول فرهنگ - استمرار سنت
آر-پی میسرا	توسعه یک فعالیت انسانی و یک ایدئولوژی است. از فردی به فرد دیگر متفاوت است، دارای جهت‌گیری فرهنگی است و در تبلور خود نمایانگر تغییر و تحولی ارگانیک است. توسعه باید با شرایط خاص هر کشور و ارزش‌های فرهنگی هر جامعه مطابقت داشته باشد.	توسعه فردی - توسعه اجتماعی توسعه اقتصادی - حفظ کثرت و تنوع فرهنگی

۳- یافتن متناظرها در مفهوم دیگر و تشکیل دویارگی‌ها: پس از شناسایی تناقض‌های درونی هر یک از انگاره‌ها که از بررسی سیر تحول تاریخی، ادبیات نظری و نظریات اندیشمندان مرتبط با هر یک به دست آمد، دویارگی‌های متناظر با تناقض‌های انگاره مقابل، به تفکیک شبکه‌های ۹ گانه، شناسایی و دویارگی‌ها تدقیق و بازنویسی می‌شوند. در جدول ۵ نمونه‌ای از مواجهه دویارگی‌های دو انگاره حفاظت و توسعه نمایش داده شده است.

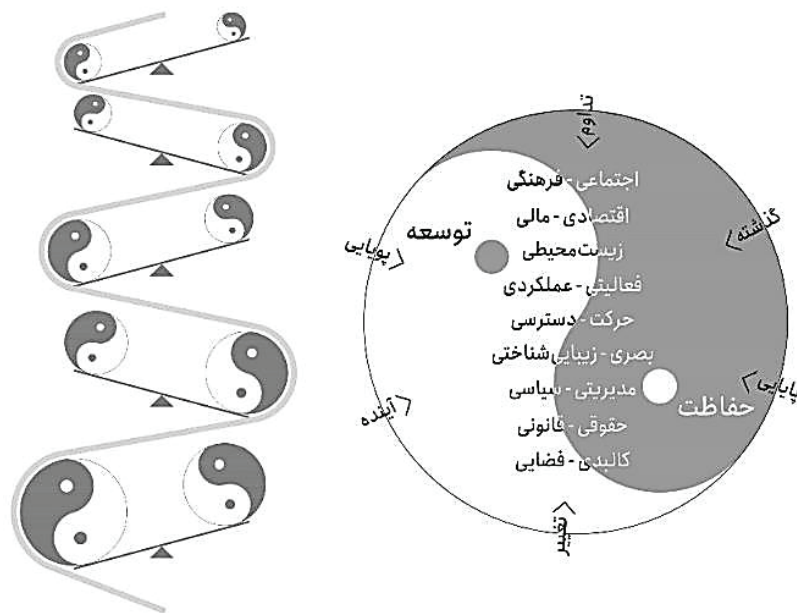
۴- دسته‌بندی دویارگی‌ها به ابعاد بزرگتر (شبکه‌ها): مفاهیم متناقض و دویارگی‌های شناسایی و استخراج شده برای ارائه راهبردهای عینی کارآمد و عملیاتی، باید بنا به ماهیت و موضوعشان در شبکه‌های کلان و عام دسته‌بندی شوند، برای این منظور نظریات تعدادی از نظریه‌پردازان شهری که در زمینه ابعاد شهرسازی و شبکه‌های شهر پژوهش کرده‌اند مورد بررسی قرار گرفت از برآیند این پژوهش‌ها یک دسته‌بندی ۹ گانه به ترتیب زیر تدوین شد: (۱) کالبدی-فضایی، (۲) فعالیتی-عملکردی، (۳) اجتماعی-فرهنگی (۴) اقتصادی-مالی (۵) زیست‌محیطی (۶) بصری-زیبایی‌شناختی (۷) مدیریتی-سیاسی (۸) حرکت-دسترسی (۹) حقوقی-قانونی (کرمونا، ۲۰۲۱). این شبکه‌های نه گانه به نحوی تدوین و تنظیم شده‌اند که همه مفاهیم و دویارگی‌های شناسایی شده در فرآیند پژوهش حاضر را پوشش دهند.

۵- تبیین ارتباط میان مفاهیم دویارگی از طریق ایجاد توازن میان مفاهیم: تعارض حفاظت و توسعه به دلیل عدم توازن و ضعف ارتباط آن‌ها است؛ هر چه ارتباط ذهنی - عینی حفاظت و توسعه افزایش یابد توازن میان آن‌ها افزایش یافته و در نتیجه تعارض آن‌ها کاهش می‌یابد؛ حداکثر ارتباط و یکپارچگی میان حفاظت و توسعه هنگامی ایجاد می‌شود که این دو مفهوم در توازن قرار گیرند؛ در شکل ۴ تأثیر توازن بر ایجاد یکپارچگی حفاظت و توسعه ترسیم شده است. برقراری توازن کامل و پایدار هرگز ممکن نیست چرا که یک مفهوم همواره در مواجهه با خود و با دیگری (مفاهیم دیگر) دچار تناقض می‌شود و در چرخه دیالکتیک منفیت به حرکت تکاملی خود ادامه می‌دهد. در جدول ۵ فرآیند دیالکتیک ارتقای دویارگی‌های عام حفاظت و توسعه ارائه شده است در ستون اول شبکه‌های ۹ گانه قرار دارد. ستون دوم به مهم‌ترین تناقض در شبکه مربوطه اختصاص دارد که به صورت یک دویارگی متناقض نوشته شده است. لازم به ذکر است هر شبکه می‌تواند به تعداد نامحدودی مفاهیم

شبکه	حفاظت- توسعه متناقض	تبیین تناقض (مسأله)	تبیین دویارگی متوازن (راه حل)	حفاظت- توسعه متوازن و یکپارچه
اقتصادی - مالی	حفاظت: بدون توجه به اقتصاد توسعه: چرخه تولید و مصرف در جهت رشد اقتصادی	در حفاظت، توجیه اقتصادی از اهمیت کمی برخوردار است. توسعه، حفاظت از گذشته را از لحاظ اقتصادی به صرفه نمی‌داند. هزینه‌های حفاظت زیاد است و صرفه اقتصادی در تخریب و نوسازی است.	حفاظت از میراث در صورتی تحقق خواهد پذیرفت که توجیه اقتصادی داشته باشد در غیر اینصورت پایدار نخواهد ماند. اهمیت اقتصادی میراث گذشته به واسطه رونق صنعت گردشگری و عصر اطلاعات روز به روز در حال افزایش است و توسعه اقتصادی نیازمند حفاظت تاریخی- فرهنگی است.	حفاظت تاریخی- فرهنگی توسعه اقتصادی
زیست‌محیطی	حفاظت: بی توجه به محیط زیست توسعه: محیط زیست به مثابه منبع توسعه	در حفاظت شهری ابعاد کالبدی- فضایی اهمیت دارند و بعد زیست‌محیطی کمتر مورد توجه است. توسعه نیز محیط زیست را به عنوان منبع فرآیند تولید و مصرف قلمداد می‌کند و باعث تخریب و تضعیف آن است.	محیط زیست بستر حفاظت و توسعه است. حفاظت و توسعه بدون توجه به محیط زیست پایدار نخواهند بود. از این رو میان حفاظت و توسعه محیط مصنوع با حفاظت و توسعه محیط طبیعی باید توازن برقرار شود.	حفاظت محیط زیست- توسعه محیط زیست، (حفاظت- توسعه محیط مصنوع)- (حفاظت- توسعه زیست‌محیطی)
هنری- زیبایی شناسی	حفاظت: زیبایی‌شناسی کلاسیک توسعه: زیبایی‌شناسی مدرن	حفاظت با نگاه به گذشته بر ارزش‌های زیبایی‌شناختی و هنر کهن و کلاسیک تأکید دارد و هنر مدرن بویژه در زمینه معماری و شهرسازی کمتر در دامنه تعریف حفاظت قرار می‌گیرد. توسعه با نگاهی به آینده بر هنر مدرن و نوآوری‌های هنری آینده‌نگر تأکید دارد.	تاریخ پیوسته است، و هنر اصیل چه متعلق به گذشته باشد و چه مدرن و امروزی، به یک اندازه واجد ارزش حفاظت است. معماری و شهرسازی معاصر علی‌رغم تأثیرات مدرن در امتداد گذشته معنا می‌یابد. تفاوت‌های هنر گذشته و مدرن در بستر شهر گویای لایه‌های تاریخی و غنای فرهنگی و هنری است. لذا میراث هنری کهن و مدرن هر دو واجد ارزش و اهمیت هستند و تعامل آن‌ها موجب هم‌افزایی است.	هنر کلاسیک هنر مدرن
مدیریتی- سیاسی	حفاظت: سطح محلی مدیریت توسعه: سطح دولتی و مرکزی مدیریت	حفاظت بر مدیریت محلی گرایش دارد و توسعه بر مدیریت متمرکز دولتی	سطح محلی مدیریت نیازمند هدایت تخصصی و حمایت مالی و اقتصادی سطح دولتی است. سطح دولتی و مرکزی مدیریت برای اتخاذ تصمیمات و رویکردهای صحیح نیازمند اطلاعات حاصل از شناخت دقیق سطح محلی است.	مدیریت محلی مدیریت دولتی
کلی: دسترسی	توسعه: سواره حفاظت: پیاده	رویکرد حفاظت در مورد محدوده‌های شهری کهن در شبکه حرکت و دسترسی، تأکید بر مقیاس انسانی است چرا که گرایش حفاظت به گذشته است و در گذشته حرکت در مقیاس انسان و پیاده بوده است و در مقابل تأکید توسعه که گرایش به آینده دارد بر سرعت و استفاده از اتوموبیل و سایر وسایل نقلیه سریع است.	امکان حرکت و دسترسی سواره به کاربری‌های مختلف محدوده‌های شهری کهن یکی از نیازهای حیاتی ساکنان است در غیر اینصورت تمایل به زندگی در این محدوده‌ها کاهش خواهد یافت. محدوده‌های شهری کهن پیش از ورود اتوموبیل به شهرها مبتنی بر حرکت پیاده شکل گرفته‌اند و مقیاس پیاده نه تنها در نظام حرکت و دسترسی بلکه در همه شبکه‌های دیگر تأثیر مهم و ساختاری داشته است. تقویت شبکه پیاده نقش مهمی در حفاظت و بازتولید ارزش‌های محدوده‌های شهری کهن دارد.	پیاده سواره اولویت حرکت و دسترسی ضامن امکان دسترسی و حرکت سواره

برای توضیح بهتر مدل دیالکتیک حفاظت- توسعه از نماد تصویری بین- یانگ استفاده شده است، که یک فلسفه و جهان بینی شرقی باستانی، جامع، پویا و دیالکتیکی است این نماد به بهترین شکل یک فرآیند دیالکتیک را نمایش می‌دهد و شباهت بسیاری با فلسفه غربی دیالکتیک دارد ($\Delta 1$ به نقل از $\Phi\alpha\upsilon\gamma$ ، 2012، 26) بر سه اصل استوار است:

- ۱) اصل «دوگانگی جامع»: یک پدیده یا موجودیت نمی‌تواند کامل باشد مگر اینکه دارای دو عنصر متضاد باشد.
- ۲) اصل «دوگانگی پویا»: عناصر متقابل در فرآیند ایجاد تعادل در شرایط مختلف به طور متقابل به یکدیگر تبدیل می‌شوند.
- ۳) اصل «دوگانگی دیالکتیکی»: اصول جامع و پویا می‌تواند به این دلیل باشد که دو عنصر متضاد (نسبتاً متضاد) و در عین حال وابسته (نسبتاً سازگار) به عنوان متضاد در وحدت وجود دارند تا متقابلاً (برای ثبات و توازن) تأیید و متقابلاً (برای کامل بودن و تغییر مکان نقطه) نفی شوند؛ اصل دیالکتیکی به عنوان تکیه‌گاه دو اصل دیگر دوگانگی برجسته‌ترین است. دو انگاره که علی‌رغم تعارض، مکمل یکدیگرند و هر یک بدون دیگری ناقص است. هر انگاره در درون خود متناقض است که در این نماد به شکل یک دایره کوچک با رنگ متضاد با زمینه نمایش داده شده است. تناقض درونی به مثابه منفیت، نیرویی برای انگاره برای حرکت به سمت دیگری ایجاد می‌کند. منفیت حفاظت، توسعه و منفیت توسعه، حفاظت است. هر انگاره برای رفع تناقض باید از فرآیند واسطگی عبور کند که در مورد دویارگی حفاظت- توسعه شامل ۹ شبکه است. همچنین سه دویارگی: گذشته- آینده، پایایی- پویایی، و تداوم- تغییر در محیط دیاگرام قرار گرفته است که به عنوان مفاهیم هسته‌ای و کلیدی، قوانین اصلی حاکم بر فرآیند هستند و سایر دویارگی‌ها را پوشش می‌دهند. تصویر سمت چپ نشان دهنده ارتباط دو مفهوم «توازن پویا» و «دیالکتیک منفیت» است. عدم توازن بین دو انگاره در خود متناقض موجب حرکت یکی به سمت دیگری شده و پس از یکپارچگی، انگاره کامل تری را پدید می‌آورد؛ مواجهه انگاره جدید با انگاره‌ای دیگر سبب خروج از توازن و ادامه فرآیند دیالکتیک می‌شود؛ نتیجه این فرآیند یا شوند دیالکتیک و توازن پویا، گسترش دامنه مفاهیم و حرکت انگاره‌ها از ساده به پیچیده و به تعبیر هگل، توسعه یا ارتقای مفاهیم و انگاره‌ها است.



شکل ۶- مدل مفهومی دیالکتیک و متوازن حفاظت - توسعه محدوده‌های شهری کهن

بحث و نتیجه‌گیری

در پایان به منظور جمع‌بندی نتایج پژوهش سه پرسش اصلی که در ابتدای بحث و در بخش بیان مسأله مطرح شد مجدداً مطرح شده و پاسخ داده می‌شود. ۱) در دویارگی حفاظت- توسعه چه ارتباطی بین هر یک از این مفاهیم برقرار است؟ حفاظت - توسعه پیش از عبور از مراحل دیالکتیک، یک دویارگی متعارض است. پس از عبور از مراحل دیالکتیک، ضمن رفع تعارض، در قالب یک دویارگی متعامل به سطحی بالاتر در سلسله‌مراتب تحقق‌یافتگی ارتقا می‌یابد. ۲) چرا دویارگی‌ها در تعارض و عدم توازن با یکدیگر قرار می‌گیرند و علت تعارض و عدم توازن دویارگی حفاظت- توسعه چیست؟ دلیل تعارض و عدم توازن در دویارگی‌ها تحقق‌نیافتگی ذهنی- عینی هر یک از مفاهیم دویارگی است و

- میببی، ج. (۱۳۹۹). دیالکتیک هگل دانشنامه فلسفی استنفورد، ترجمه میلاد عمرانی، تهران: انتشارات سمندر.
- ندروین پیترز، ج. (۱۳۹۶). نظریه توسعه، شالوده شکنی‌ها - بازسازی‌ها، ترجمه احمد موثقی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ندروین پیترز، ج. (۱۳۹۷). نظریه توسعه، فرهنگ، اقتصاد، جامعه، ترجمه انور محمدی، تهران: انتشارات نشر گل آذین.
- هگل، گ. (۱۸۰۷). پدیدار شناسی روح، ترجمه سید محمود حسینی، تهران: نشر نی.
- یوکیلهتو، ی. (۱۳۹۴). تاریخ حفاظت معماری، ترجمه محمد حسن طالبیان، خشایار بهاری، تهران: انتشارات روزنه.
- Brown, K. (2002). Innovations for conservation and development. *Geographical Journal*, 168(1), 6-17.
- Carmona, M. (2010). *Public places, urban spaces: the dimensions of urban design*. Routledge.
- Turner, M., Pereira, A., & Patry, M. (2012). Revealing the Level of Tension between Cultural Heritage and Development in World Heritage Cities (Oszacowanie zakresu konfliktów występujących pomiędzy ochroną dziedzictwa kulturowego a rozwojem w miastach z Listy Światowego Dziedzictwa). *Problems of Sustainable Development*, 7(2), 23-31.
- Pendlebury, J. (2002). Conservation and regeneration: Complementary or conflicting processes? The case of Grainger Town, Newcastle upon Tyne. *Planning Practice and Research*, 17(2), 145-158.
- Guzman, P., Pereira Roders, A. R., & Colenbrander, B. (2018). Impacts of common urban development factors on cultural conservation in world heritage cities: An indicators-based analysis. *Sustainability*, 10(3), 853.
- Sabatini, F. (2019). Culture as fourth pillar of sustainable development: Perspectives for integration, paradigms of action. *European Journal of Sustainable Development*, 8(3), 31-31.
- Fang, T. (2012). Yin Yang: A new perspective on culture. *Management and organization Review*, 8(1), 25-50.

Explaining the dialectic and balanced model of the conservation-development dichotomy of historic urban areas

Ali AliJenabian*, Ph.D. Candidate, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
Alireza Andalib, Associate Professor, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
Zahra Sadat Saideh Zarabadi, Associate Professor, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Received: 2022/2/6 Accepted: 2022/6/3

Introduction: Conflict in the conservation-development dichotomy is among the main challenges in the face of historic urban areas, which destroys heritage values, as well as hinders the actualization of development objectives, and deteriorates the historic urban areas. The present study aims to explain the dialectic and balanced model of conservation- development of historic urban areas, redefining the concepts of conservation and development in the face of historic urban areas, evaluating the roots of forming intellectual conflicts, and providing a rational framework and method for understanding and eliminating the conflict of conservation-development dichotomy.

Method: This Research is fundamental, by qualitative content analysis and logical reasoning strategy, at the ontological level through the analysis of philosophical texts, understands the basic meaning of "relationship", conservation and development, and at the epistemological level through analytical reading of theories, effective components In the recognition of conservation-development dichotomy is explained. The final product of the research is the explanation of the dialectical and balanced model of conservation-development of historical urban areas.

Results: At the theoretical level, the results include redefining the relationship between conservation and development, showing that their relationship interacts with conflict in a dialectic process, while the scope and depth of each expanded, leading to their evolution and promotion. At the philosophical level, the results show that all the concepts are considered contradictory and unbalanced in both internal and external areas (intermediate concerning other concepts), leading to a move to return to balance and interact with other concepts and achieve a higher position in the hierarchy of actualization in the concept.

Conclusion: Based on the results, conservation and development are inherently integrated and balanced. In addition, passing through the dialectic stages in different dimensions of the conservation-development dichotomy leads to the elimination of internal conflicts, the creation of a balance between the concepts, and their promotion.

* Corresponding Author's E-mail: ali.alajenabian@gmail.com